

نقش کلیدی والدین در تربیت فرزندان از منظر صحیفه سجاده حسن فکری^۱

چکیده

مقام والای والدین در آموزه‌های قرآن و روایات، به‌ویژه صحیفه سجاده، از جایگاهی ممتاز برخوردار است. تکریم والدین و احسان به ایشان، پس از عبادت خداوند، از اصول بنیادین دین اسلام به‌شمار می‌آید. صحیفه سجاده، به‌عنوان منبعی ژرف و ارزشمند، به شرح جایگاه والدین و نقش تربیتی آنان در رشد فرزندان می‌پردازد و همین امر ضرورت بررسی آموزه‌های تربیتی این اثر گرانقدر را برجسته می‌سازد. پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های تربیتی والدین در زندگی فرزندان، بر اساس آموزه‌های صحیفه سجاده صورت گرفته است. رویکرد این تحقیق، تحلیلی-توصیفی بوده و بر مطالعه دعای بیست‌وچهارم و سایر ادعیه مرتبط تمرکز دارد. در این فرآیند، آیات و روایات مرتبط بررسی، و مفاهیم کلیدی درباره جایگاه و نقش تربیتی والدین استخراج شده‌اند. یافته‌های تحقیق در دو محور اصلی ارائه می‌شود: ۱. جایگاه والدین - بیانگر عظمت و منزلت ایشان در اندیشه امام سجاده^(علیه السلام)؛ ۲. نقش تربیتی والدین (تبیین وظایف و مسئولیت‌های آنان در تربیت دینی، اخلاقی و اجتماعی فرزندان). نتایج این پژوهش بر اهمیت محوری والدین در تربیت فرزندان از منظر امام سجاده^(علیه السلام) تأکید داشته و می‌تواند در ارتقای بینش و عملکرد والدین در تربیت مؤثر فرزندان نقش‌آفرین باشد.

واژگان کلیدی: وظایف والدین و فرزندان، خانواده، دعا، امام سجاده^(علیه السلام)، معارف قرآن و حدیث.

مقدمه

تربیت انسان، به عنوان اصلی ترین وظیفه مربیان، نقش بنیادینی در رشد و تعالی جوامع ایفا می کند. والاترین معارف دینی، علت بعثت انبیاء و رسالت اساسی اولیاء الهی را تربیت انسان بر اساس آموزه های وحیانی می دانند. دین اسلام، به عنوان شریعتی جامع، مجموعه ای از اصول و روش های تربیتی کارآمد را ارائه کرده است. در شرایط کنونی و با توجه به تهاجم فرهنگی غرب به نهاد خانواده، پرداختن به موضوع تربیت دینی ضرورتی مضاعف یافته است؛ چرا که تربیت صحیح در خانواده می تواند زمینه ساز رشد الهی انسان و تقویت بنیان های اجتماعی شود. پدر و مادر، به عنوان مؤثرترین عوامل تربیت فرزندان، نقشی بی بدیل در شکل گیری شخصیت و نهادینه سازی ارزش های اخلاقی و معنوی ایفا می کنند.^۱

بر این اساس، پژوهش حاضر با محوریت صحیفه سجادیه به بررسی نقش و جایگاه والدین در فرآیند تربیت فرزندان می پردازد. پرسش اصلی تحقیق آن است که امام سجاده علیه السلام چگونه در صحیفه سجادیه، کارکرد تربیتی و منزلت والای پدر و مادر را تبیین کرده اند؟

امام زین العابدین علیه السلام در صحیفه سجادیه به ویژه در دعای بیست و چهارم، به صورت مستقیم به جایگاه تربیتی والدین پرداخته اند. با وجود برخی پژوهش های پراکنده در این زمینه، بررسی مستقل و تحلیلی نقش تربیتی والدین در صحیفه کمتر مورد توجه قرار گرفته است. تحقیق حاضر، با تحلیل دقیق ادعیه سجادیه، جایگاه پدر و مادر و نقش تربیتی آنان را در زیست فرزندان بررسی کرده و از رهگذر آن به تحلیل محتوایی معارف دعایی مرتبط می پردازد.

در این زمینه، آثار علمی نظیر مقاله «رهیافتی به نظام تربیتی اسلام از نگاه صحیفه سجادیه»^۲ و پایان نامه «نظام تعامل والدین با فرزندان از منظر قرآن و روایات»^۳ تدوین شده اند؛ این آثار ضمن ارائه شواهد تربیتی از صحیفه، به تحلیل مستقلی از جایگاه و نقش والدین نپرداخته اند.^۴ پژوهش

۱. ر.ک: ترجمه المیزان، ج ۲، ص ۱۹۶.

۲. سیدابراهیم میرشاه جعفری.

۳. هادی کمال عزت، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد، رشته علوم حدیث گرایش تفسیر اثری، دانشگاه قرآن و حدیث.

۴. ر.ک: پایان نامه اصول تربیتی و اخلاقی در صحیفه کامله سجادیه، اثر معصومه شرف الدین موسوی؛ اصول تربیتی و اخلاقی در صحیفه کامله سجادیه، اثر دریه حق دوست؛ بررسی آثار تربیتی حمد و شکر در آیات و روایات (با



حاضر، با ساختاری دو بخشی، به بررسی جایگاه پدر و مادر و کارکرد تربیتی آنان در زندگی فرزند از منظر امام سجاده علیه السلام اختصاص یافته است.

الف. جایگاه پدر و مادر

والدین در نزد خداوند متعال از جایگاهی والا و ویژه برخوردارند؛ به گونه‌ای که در آیات متعدد قرآن کریم، فرمان به اطاعت، تکریم و احسان نسبت به آنان صادر شده است. محبت والدین به فرزندان، احساسی فطری و نعمتی الهی به شمار می‌رود که در پرتو آن، ارتباط عاطفی و تربیتی در خانواده شکل می‌گیرد. چندین آیه از قرآن، به صورت صریح یا ضمنی، به مقام والای والدین و ضرورت احترام و احسان به آنان تأکید کرده‌اند.

از جمله، خداوند متعال در قرآن می‌فرماید:

وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا^۱ و

از سر مهربانی، بال فروتنی بر آنان بگستر و بگو: پروردگارا، آن دو را رحمت کن

چنان‌که مرا در کودکی پروردند.^۲

عبارت «خفض جناح» کنایه‌ای است از غایت تواضع و فروتنی گفتاری و رفتاری؛ تصویری برگرفته از جوجه‌ای که با گشودن بال و پر، مهر مادر را برمی‌انگیزد و او را به مراقبت و تغذیه وامی‌دارد. واژه «جناح» در این آیه با «ذل» مقید شده است تا عمق خضوع و تواضع را در رفتار با والدین تبیین کند؛ بدین معنا که فرزند باید به گونه‌ای رفتار کند که پدر و مادر، فروتنی او را به وضوح احساس کرده و از مهر و رحمت وی بهره‌مند شوند.^۳

از سوی دیگر، امام سجاده علیه السلام در فرازهای مختلف صحیفه سجاده، هنگام درود فرستادن بر پدران معصوم خویش، به مقام انسانی والا و شایستگی‌های واقعی آنان توجه ویژه داشته‌اند؛ این توجه

تأکید بر صحیفه سجاده)، اثر نرگس الماسی؛ تربیت اخلاقی در صحیفه سجاده، اثر رحمت خرم‌شکوه؛ تربیت در صحیفه سجاده، اثر راضیه مرزانی؛ و تربیت معنوی در صحیفه سجاده، اثر محمد برزویی.

۱. الاسراء: ۲۴؛ رک. بقره: ۸۳ و ۱۸۰ و ۲۱۵ و ۲۳۳؛ نساء: ۱۱ و ۳۶ و ۱۳۵؛ انعام: ۱۵۱؛ اعراف: ۱۸۹؛ انفال: ۲۸؛ اسراء: ۲۳ و ۳۱؛ لقمان: ۱۴ و ۱۵؛ سبا: ۳۷؛ بلد: ۳؛ احقاف: ۱۵؛ ابراهیم: ۴۱؛ توبه: ۲۳؛ مریم: ۱۴ و ۳۲؛ عنکبوت: ۸؛ نوح: ۲۷ و ۲۸؛ کهف: ۸۰؛ ممتحنه: ۳؛ منافقون: ۹؛ تغابن: ۱۴ و ۱۵.

۲. تمام ترجمه‌های قرآن کریم این مقاله از محمد مهدی فولادوند است.

۳. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۸۱.

نه صرفاً به دلیل مقام عصمت پدر بزرگوارشان امام حسین علیه السلام، بلکه به منزله پاسداشت جایگاه رفیع والدین در منظومه معرفت دینی است.^۱ در ادعیه صحیفه سجادیه، جایگاه پدر و مادر را می توان به دو بخش عمده تقسیم کرد:

عظمت پدر و مادر

تعظیم و تکریم بزرگان، آدابی ویژه دارد که در آموزه های دینی به آن توجه شده است. قرآن کریم، احترام و احسان به پدر و مادر را از اصول بنیادین اخلاقی و واجبات دینی معرفی می کند. امام سجاده علیه السلام نیز در بیانی لطیف و ژرف، والدین را به سلطان مقتدر تشبیه می فرماید، تا جایگاه آنان در ذهن فرزندان با صلابت و عظمت تجسم یابد و برخورد ایشان با والدین، آمیخته به تکریم، ادب و محبت شود. ایشان در دعایی چنین عرضه می دارند:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَهَابَهُمَا هَيْبَةَ السُّلْطَانِ الْعُسُوفِ؛^۲ بار خدایا، هیبت پدر و مادرم را در دل من همچون هیبت پادشاهی سخت مقتدر قرار ده.^۳

براساس این فراز، نگاه فرزند به پدر و مادر باید هم چون نگرش انسان نسبت به سلطانی با عظمت و هیبت باشد؛ همان گونه که فرد در برابر پادشاه، از ناراحت کردن او پرهیز می کند، با دقت و مراقبت رفتار می نماید و در گفتار، نگاه، نشست و برخاست و حتی سکوت و ابراز احساسات خود، جوانب ادب را رعایت می کند. امام علیه السلام از فرزند می خواهند که چنین هیبتی نسبت به والدین در دل داشته باشد و آن را در عمل نیز نمایان کند.

علاوه بر این، فرزند نباید خود را در مقابل والدین مقتدر یا هم رتبه بپندارد؛ بلکه باید همواره عظمت و مقام ایشان را در نظر داشته، با فروتنی تمام، امرشان را اطاعت کرده و کلامشان را با پذیرش و ارج گذاری همراه سازد. این شیوه رفتار، نمادی از شناسایی و پاسداشت جایگاه والای پدر و مادر در منطق و معرفت دینی است.

۱. شناخت و شهود، ج ۲، ص ۳۹۱.

۲. دعای بیست و چهارم، ص ۱۲۵، بند ۵.

۳. تمام ترجمه های متن صحیفه سجادیه از عبدالمحمد آیتی است.

وساطت در خلقت

انسان، به عنوان اشرف مخلوقات، از نعمت عظیم «وجود» بهره‌مند است؛ نعمتی الهی که خداوند متعال آن را با واسطه پدر و مادر به او ارزانی داشته است.^۱ امام سجاده علیه السلام در دعای خود، این واسطه‌گری را به صورت غیرمستقیم یادآور شده و نقش والدین را در اعطای وجود برجسته کرده‌اند:

اللَّهُمَّ وَأَنَا عَبْدُكَ الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ قَبْلَ خَلْقِكَ لَهُ وَبَعْدَ خَلْقِكَ أَيَّاهُ؛^۲ بار خدایا، من آن بنده توام که هم پیش از آفریدنش، او را از نعمت خود بهره‌مند ساختی، و هم پس از آن.

براساس این بیان، خداوند پیش از خلقت انسان، مقدمات مادی و معنوی آفرینش او را فراهم ساخته است. از مهم‌ترین این مقدمات، وجود والدین به عنوان وسایط جسمانی و گرایش‌های غریزی مانند میل به تولیدمثل به عنوان وسایط معنوی است. این مقدمات، خود نعمت‌هایی الهی‌اند که پیش از تحقق خلقت، به بندگان ارزانی شده‌اند.^۳

وجود انسان، وابسته به اراده و حضور پدر و مادر است^۴ و بخشی از شکل‌گیری شخصیت فرد، حتی پیش از تولد و در دوران جنینی، به نوع رفتار والدین وابسته است. امام سجاده علیه السلام نیز به این موضوع اشاره دارند و بر اهمیت تربیت قبل از انعقاد نطفه تأکید می‌ورزند. هر اندازه پدر و مادر در تربیت خود اهتمام بیشتری داشته باشند، نطفه از قوت مادی و معنوی بالاتری برخوردار خواهد شد. در مقابل، سهل‌انگاری در این امر، رشد شخصیت انسان را از آغاز با خلل مواجه می‌سازد. در این راستا، والدین شایسته نه تنها واسطه اعطای وجود هستند، بلکه زمینه‌ساز رشد جسمانی، روانی و معنوی انسان نیز به‌شمار می‌روند. از سوی دیگر، حتی والدین ضعیف از نظر تربیتی، صرف نظر از کیفیت تربیت، به واسطه نقش در اعطای وجود، دارای جایگاه خاصی‌اند. این اهمیت، در دوران جنینی نیز مصداق می‌یابد.

امام سجاده علیه السلام در دعایی دیگر، با اشاره به مراحل خلقت انسان و استناد به آیات قرآن، چنین می‌فرماید:

۱. «ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعُلُقَةَ مِصْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مومنون: ۱۴).

۲. دعای ۴۷، ص ۳۲۴، بند ۶۷.

۳. نجوای عارفانه، ذیل فراز دعای چهل و هفت.

۴. غیر از حضرت آدم و حوا و حضرت عیسی علیه السلام.

اللَّهُمَّ وَأَنْتَ حَدَرْتَنِي مَاءَ مَهِينَا مِنْ صُلْبٍ مُتَضَاعِفٍ الْعِظَامِ، حَرَجَ الْمَسَالِكِ إِلَى رَحِمٍ صَيِّقَةٍ سَتَرْتَهَا بِالْحُجُبِ، تُصَرِّفُنِي حَالًا عَنْ حَالٍ حَتَّى انْتَهَيْتَ بِي إِلَى تَمَامِ الصُّورَةِ، وَأَثَبْتَ فِيَّ الْجَوَارِحَ كَمَا نَعَتَ فِي كِتَابِكَ: نُطْفَةٌ ثُمَّ عَلَقَةٌ ثُمَّ مُضْغَةٌ ثُمَّ عَظْمًا ثُمَّ كَسَوْتَ الْعِظَامَ لَحْمًا، ثُمَّ أَنْشَأْتَنِي خَلْقًا آخَرَ كَمَا شِئْتَ؛^۱ بار خدایا، من قطره آبی بی مقدار بودم که مرا از پشت پدر، از میان استخوان‌های فشرده و راه‌های باریک، به تنگنای رحم مادر - که در پرده‌های ستر قرار گرفته بود - افکندی. مرا از حالی به حالی درآوردی تا به صورتی کامل رسیدم و اعضا و جوارحم قوام گرفت، آن‌گونه که در کتابت فرمودی؛ نطفه‌ای بودم، سپس علقه، سپس مضغه، بعد استخوان، آنگاه آن را به گوشت پوشاندی، و آنگاه مرا به آفرینشی دیگر که خود خواسته بودی، خلق کردی.

در این بخش از دعا، به‌وضوح به گفتار الهی در قرآن درباره نحوه آفرینش انسان اشاره شده است.^۲ از این رو، شایسته است فرزند به عظمت الهی و به نقش والدین به‌عنوان واسطه‌های خلقت توجه کند و جایگاه طبیعی آنان را در این فرآیند، با دقت و احترام در نظر گیرد. اگرچه والدین در تعیین سرنوشت نهایی فرزند نقشی مستقیم ندارند، اما نقش آنان در فراهم‌سازی مقدمات سعادت و رشد معنوی، بی‌بدیل و بنیادین است.

انسان، بر اساس فطرت الهی خود، در جست‌وجوی سعادت می‌کوشد. امام زین‌العابدین (علیه السلام) در مقام عرض حال، با زبانی سوزناک و عبرت‌آمیز می‌فرماید:

أَلِلْشَّقَاءَ وَلَدْتُني أُمِّي، أَمْ لِلْعَنَاءِ رَبَّتي؟ فَلَيْتَهَا لَمْ تَلِدْنِي وَلَمْ تَرْبِّي؛^۳ آیا مادرم مرا برای شقاوت و بدبختی زاده؟ آیا برای سختی و رنج مرا پرورش داده؟ پس، ای کاش مرا نه زاده بود و نه تربیت کرده بود.

این فراز، بیانگر اضطراب درونی انسان از عاقبت خویش و نگرانی از انحراف مسیر سعادت است. حضرت در دعایی دیگر نیز چنین بیان می‌دارند:

إِلَهِي، أَلَيْتَنِي رَبَّتي أُمِّي؟ فَلَيْتَهَا لَمْ تَرْبِّي! أَمْ لِلشَّقَاءِ وَلَدْتُني؟ فَلَيْتَهَا لَمْ تَلِدْنِي. لَيْتَ أُمِّي كَانَتْ عَاقِرًا بِي، وَلَمْ تُعَالِجْ حَمْلِي...^۴؛ پروردگارا، آیا مادرم مرا برای

۱. ر.ک: مومنون: ۱۴.

۲. ر.ک: مومنون: ۱۲-۱۴؛ سجده: ۷-۸.

۳. دعای ۱۸۴، ص ۴۰۴، بند ۲.

۴. دعای ۱۹۷، ص ۴۲۸، بند ۲۵.



آتش جهنم پرورش داده است؟ پس کاش مرا تربیت نمی‌کرد! یا مرا برای بدبختی به دنیا آورده؟ پس ای کاش هرگز مرا نمی‌زایید! ای کاش مادرم نازا بود و هرگز به حمل من اقدام نمی‌کرد.

سعادت و شقاوت، مسیرهایی هستند که زندگی انسان را شکل می‌دهند و ثمره حیات دنیوی را رقم می‌زنند. سعادت، نقطه آغاز حرکت به سوی رستگاری اخروی است. به همین جهت، فرزند باید همواره قدر زحمات تربیتی والدین را بشناسد و تأثیر آن را در مسیر خوشبختی خویش ارزیابی کند. پدر و مادر شایسته، زمینه‌ساز رشد و تعالی فرزند هستند؛ در حالی که نامناسب بودن تربیت والدین، محدودیت‌هایی در رشد فراهم می‌آورد، هرچند این حداقل‌ها نیز برای اتمام حجت کفایت می‌کنند.

امام سجاده علیه السلام در فرازی دیگر، به تأثیر تربیت والدین بر سرنوشت اخروی فرزند اشاره کرده، با نگرانی و حسرت می‌فرماید:

كَيْفَ تَصْبِرَانِ غَدًا عَلَى تَحْرِيقِ النَّارِ؟! ... قَوْلٌ لِهَذَا الْجَسَدِ الضَّعِيفِ كَيْفَ يَصْبِرُ
غَدًا عَلَى تَحْرِيقِ النَّارِ؟! إِلَهِي، لَيْتَ أُمِّي لَمْ تَلِدْنِي^۱؛ خدایا، چگونه این بدن
ضعیف فردا بر آتش دوزخ صبر خواهد کرد؟! وای بر این تن ناتوان که تحمل
آتش دوزخ را ندارد! پروردگارا، ای کاش مادرم مرا به دنیا نمی‌آورد.

این بخش از دعا، تصویری ژرف از خودآگاهی انسان و مسئولیت‌پذیری در برابر نعمتی چون وجود و هدایت والدین ارائه می‌دهد؛ نعمتی که در پرتو تربیت الهی، می‌تواند به رستگاری انسان بینجامد یا در غیاب آن، موجبات حسرت ابدی گردد.

تعبیر امام سجاده علیه السلام مبنی بر آرزوی تولد نیافتن در برابر سختی آتش دوزخ، برگرفته از مفهومی قرآنی است.^۲ انسان گناه‌کار، به سبب عاقبت اعمال ناصواب خویش، در دوزخ دچار چنین تمنایی می‌گردد. این بیان، جنبه تنبیه و عبرت‌آموزی دارد تا افراد در دنیا از ارتکاب گناه پرهیز کنند و از عذاب الهی در امان بمانند.

سخنان حضرت در این بخش از دعا، وجهه‌ای تعلیمی و تربیتی دارند و ناظر به گناهان رایج میان مردم نیستند؛ چرا که شأن امام معصوم علیه السلام فراتر از چنین لغزش‌هایی است و کلام ایشان تجلی بصیرت و هشدار الهی است.

۱. دعای ۲۰۵، ص ۴۴۸، بند ۱.

۲. ر.ک: نبأ: ۴۰.

در قرآن کریم نیز، خداوند متعال انسان‌ها را در روز قیامت به دو دسته شقی و سعید تقسیم می‌فرماید:

يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ^۱ روزی فرارسد که هیچ‌کس جز به اذن او سخن نگوید؛ آنگاه برخی تیره‌بخت و برخی نیک‌بخت خواهند بود.

بر پایه این تقسیم، «سعید» از ریشه «سعدت» به معنای بهره‌مندی از اسباب نعمت و کامیابی، و «شقی» از ریشه «شقاوت» به معنای گرفتار آمدن در بلا و مجازات الهی تعبیر می‌شود.^۲ امام سجاده علیه السلام در این دعا با بیانی استعاری می‌فرماید: اگر قرار است به سبب اعمالم در پیشگاه الهی در زمره شقیان قرار گیرم، ای کاش مادرم مرا متولد نمی‌کرد. این بیان، تأکیدی بر شدت عذاب شقاوت و نتیجه مستقیم عملکرد انسان در دنیا است و ارتباط آن با تولد، صرفاً در قالب بیانی نمادین مطرح شده است.

شایان ذکر است که ایمان والدین، به تنهایی نمی‌تواند علت تامة‌ای برای هدایت فرزند باشد؛ چنان‌که در سیره انبیاء و ائمه اطهار علیهم السلام نیز مواردی از فرزندانی با سرنوشت نامطلوب دیده می‌شود. از این رو، چنانچه رفتار فرزند منتهی به سعادت نگردد، تولد و تربیت او فاقد ثمر خواهد بود. در حقیقت، تربیت مادر زمانی سودمند و مؤثر است که زمینه‌ساز هدایت و رستگاری فرزند باشد. در مجموع، جایگاه پدر و مادر از چنان عظمت و ارزشی برخوردار است که در قرآن کریم، صحیفه سجاده و سایر منابع معتبر اسلامی بدان توجه ویژه‌ای شده است. شناخت مقام بلند آنان، تأثیر چشم‌گیری در شیوه تعامل انسان با ایشان خواهد داشت و می‌تواند زمینه‌ساز شکوفایی سعادت فردی و اجتماعی گردد.

ب. رابطه پدر و مادر با فرزند

والدین در مقام مربیانی دلسوز، نقش هدایت‌گر، همراه و پشتیبان را در زندگی فرزندان ایفا می‌کنند. تأثیر تربیتی آنان در سعادت یا شقاوت فرزند، امری بنیادین و انکارناپذیر است. میزان همراهی فرزند با والدین به میزان ایمان و پابندی ایشان به اصول اسلامی بستگی دارد؛ چرا که ملاک این ارتباط و تبعیت، در چارچوب آموزه‌های دین تعریف می‌شود.

۱. هود: ۱۰۵.

۲. تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۲۳۶.

هدایت و گمراهی

در منظومه تربیتی اسلام، هدایت امری متقابل میان والدین و فرزندان است؛ از عصر رسول الله ﷺ تاکنون، اهمیت این مسئولیت حفظ شده و مورد تأکید قرار گرفته است. قرآن کریم در آیاتی، احترام به پدر و مادر را بدون شرط ایمان یا کفر، واجب شمرده است:

وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا ... فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا^۱ و به پدر و مادر خود نیکی کن. اگر یکی یا هر دوی آن‌ها در دوران پیری نزد تو باشند، به ایشان «اف» مگو و پرخاش نکن و با آنان سخنی بزرگوارانه بگو.

با این حال، در آیه‌ای دیگر، اطاعت از والدین در صورت دعوت به شرک مردود دانسته شده است:^۲

۸۹



وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي ... فَلَا تُطِعْهُمَا^۳؛ اگر تو را وادارند به شرکی که علمی بر آن نداری، از آنان فرمان مبر.

از این رهگذر، احترام به والدین، امری مطلق و بی‌قید است؛ اما اطاعت از آنان، در چارچوب توحید و عدم شرک به خداوند معنا می‌یابد.

فقه‌ها، اطاعت از پدر و مادر را واجب می‌دانند.^۴ میرزای قمی در کتاب جامع الشتات چنین می‌نویسد:

وجوب اطاعت والدین در غیر از موارد امر به معصیت و نهی از واجبات، اجمالاً مورد اجماع و الزام آور است. غمگین‌ساختن ایشان حرام است؛ ولی در مواردی چون انجام واجب یا ترک حرام، رضایت والدین شرط نیست؛ اگرچه موجب رنجش آنان شود. همچنین در اعمال مستحب، اخذ اذن ایشان ضروری نیست، مگر در روزه‌های مستحبی^۵ که برخی آن را بدون اجازه والدین حرام دانسته‌اند، گرچه نظر مشهور، کراهت آن است. سفر مستحب نیز مشروط به رضایت والدین است؛ حتی در واجبات کفایی همچون جهاد و تحصیل علم (در صورتی که واجب کفایی باشد) اگر افراد دیگری کفایت کنند، باید به رضایت والدین توجه شود. درباره سفر مباح، برخی سفر تجاری را در صورتی

۱. اسراء: ۲۳.

۲. توبه: ۲۳.

۳. لقمان: ۱۵. عنکبوت: ۸.

۴. رساله توضیح المسائل، مسأله ۱۴۰۶؛ فقه و حقوق (مجموعه آثار)، ج ۲۱، ص ۳۰۵؛ استفتاءات (امام خمینی)، ج ۳، ص ۵۹۸؛ استفتاءات (بهجت)، ج ۴، ص ۱۳۲؛ جامع الأحکام (صافی)، ج ۲، ص ۱۰۵.

۵. مستحبی.

که در وطن ممکن نباشد، جایز دانسته‌اند؛ اما رأی قوی‌تر آن است که هیچ‌یک از افعال مباح نباید بدون رضایت ایشان انجام گیرد؛ مگر آنکه ترک آن، ضرر دینی یا دنیوی به فرزند وارد سازد. برای نمونه، اگر پدر و مادر بگویند ازدواج نکن یا همسرت را طلاق بده و این دستور باعث ضرر قطعی به فرزند شود، دلیلی بر لزوم اطاعت ایشان نیست. افزون بر قواعد عقلانی نفی ضرر و عسر و حرج، عموم آیه شریفه «فَلَا تَعْصُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحَنَّ أَزْوَاجَهُنَّ»^۱ نیز مؤید این معناست؛ چراکه منع ازدواج، به زیان جدی زنان می‌انجامد. شهید(ره)^۲ و دیگر بزرگان نیز تصریح کرده‌اند که در صورت تحقق ضرر دینی یا دنیوی، اطاعت والدین واجب نخواهد بود. بنابراین، نتیجه آن است که جلب رضایت والدین از اهمّ واجبات بوده و عقوبت ایشان از جمله گناهان کبیره به‌شمار می‌رود.

برخی علما بر این باورند که حتی در مواردی چون خوردن لقمه مشکوک (لقمه شبهه)، اگر والدین فرمان دهند، باید اطاعت کرد؛ چرا که ترک لقمه شبهه، عملی مستحب است، اما اطاعت از والدین واجب شمرده شده است. همچنین اگر والدین فرزند را از حضور در جماعت منع کنند، اطاعت از آنان در صورتی لازم نیست مگر آن‌که حضور در آن موقع، مانند رفتن در تاریکی شب برای نماز عشاء یا صبح، موجب مشقت برای والدین گردد؛ چنان‌که شهید(ره) نیز به این نکته تصریح کرده است.

از دیگر دیدگاه‌ها آن است که اگر فرزند در حال خواندن نماز نافله باشد و والدین او را صدا زنند، باید نماز خود را قطع کند. این رأی نیز از احادیث قابل برداشت است و دور از واقع نیست.^۳ مرحوم میرزا قمی، وجوب اطاعت از پدر و مادر را یک اجماع فقهی دانسته و محدوده آن را به‌صورت دقیق مشخص کرده است. او انجام امور مباحی را که با فرمان والدین در تعارض اند، نهی کرده است؛ با این تأکید که در مواردی که اطاعت از والدین موجب ضرر جدی دنیوی یا اخروی برای فرزند شود -مانند عقد ازدواج، طلاق یا سفر- لزوم اطاعت از آنان منتفی است. در صورتی که دستور والدین با افعال مستحب یا مکروه فرزند در تعارض قرار گیرد، امر والدین اولویت دارد، زیرا اطاعت از آنان واجب و ترک مستحب یا انجام مکروه، در رتبه پایین‌تری قرار می‌گیرد.

۱. بقره: ۲۳۲.

۲. شهید ثانی (زین الدین بن علی بن أحمد الجعفی العاملی، المعروف بالشهید الثانی ۹۱۱-۹۶۶ق)

۳. جامع الشتات، ج ۱، ص ۲۴۲؛ رسائل و مسائل (للنراقی)، ج ۱، ص ۲۴۳؛



با این حال، اطاعت از والدین و ارتباط با آنان، محدود به شرایطی خاص است. در مسیر بندگی خداوند، گاه انسان موظف است عزیزترین افراد را - اگر مانع رشد معنوی و حرکت او در مسیر الهی شوند - کنار بگذارد و حتی آمادگی فدا کردن ایشان در راه هدف‌های الهی را داشته باشد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ^۱؛ اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و خاندان شما و اموالی که گرد آورده‌اید، و تجارتی که بیم کساد آن را دارید، و خانه‌هایی که دل‌پسند شماست، نزد شما از خدا و پیامبر او و جهاد در راه او محبوب‌ترند، پس منتظر باشید تا فرمان خدا برسد. و خداوند گروه فاسقان را هدایت نمی‌کند.

ایثار و فداکاری در راه حق نه تنها موجب کاستی ایمان و استقامت مؤمنان نمی‌شد، بلکه بر ایمان، تسلیم، و پایداری آنان می‌افزود؛ این ویژگی آنان را در مسیر حق، استوارتر و در برابر رنج‌ها و نبرد با دشمن، ثابت‌قدم‌تر می‌ساخت.

یکی از مهم‌ترین نقش‌های مسلمانان در عصر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، همراهی ایشان در جهاد با مشرکان و ترویج اسلام بود. در آستانه هر جنگ، اگر فردی از لشکر کفر با مسلمانان نسبت خانوادگی داشت، ابتدا او را به اسلام دعوت و مسیر هدایتش را فراهم می‌کردند. گاه، فرزند مسلمان در برابر پدر مشرک خود قرار می‌گرفت؛ پیش از شروع نبرد، او را به آیین اسلام فرا می‌خواند، و در صورت امتناع، با تمام قوا در راه ایمان با او مبارزه می‌کرد.

یکی از آداب مواجهه با پدر مشرک در جنگ‌ها، دعوت به هدایت پیش از هرگونه درگیری نظامی بود. برای نمونه، در صدر اسلام، عبدالله بن ابی از مشرکانی بود که قصد ورود به مدینه را داشت. پسر مسلمانش، ابتدا او را به همراهی با پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دعوت کرد، و پس از عدم پذیرش، مانع ورودش به شهر شد.^۲

بسیاری از اصحاب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، همراهانی وفادار و جان‌فدا بودند؛ آنان به خاطر اسلام، از پدران، فرزندان و بستگان مشرک خود پس از دعوت، کناره گرفتند و حتی با آنان جنگیدند.

۱. توبه: ۲۴.

۲. ر.ک: جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲۸، ص ۷۰.

حضرت علی علیه السلام در بیان معیار همراهی با والدین می‌فرمایند:

وَلَقَدْ كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ نَقْتُلُ آبَاءَنَا وَ أَبْنَاءَنَا وَ إِخْوَانَنَا وَ أَعْمَامَنَا، مَا يَزِيدُنَا ذَلِكَ إِلَّا إِيمَانًا وَ تَسْلِيمًا وَ مُضِيًّا عَلَى اللَّقَمِ، وَ صَبْرًا عَلَى مَضَضِ الْأَلَمِ، وَ جِدًّا فِي جِهَادِ الْعَدُوِّ؛^۱ ما در همراهی با رسول خدا ﷺ، پدران، فرزندان، برادران و عموهای خود را در جنگ می‌کشتیم؛ و این نبرد جز بر ایمان، اطاعت، و پایداری ما نمی‌افزود؛ بر شکیبایی مان در برابر درد، و بر تلاش ما در جهاد با دشمن می‌افزود.^۲

امام علی علیه السلام در این خطبه، اسلام را ملاک اطاعت و همراهی میان والدین و فرزندان معرفی می‌کنند؛ به گونه‌ای که در راه حق، اعضای یک خانواده ممکن بود در برابر یکدیگر قرار گیرند و حتی تا مرز جان‌فشانی پیش روند.^۳ آن حضرت به تصویری دیگر از رویارویی یاران پیامبر اکرم ﷺ با دشمنان اسلام اشاره کرده، می‌فرمایند:

لَقَدْ كَانَ الرَّجُلُ مِنَّا وَ الْآخَرُ مِنْ عَدُوِّنَا يَتَصَاوِلَانِ تَصَاوُلَ الْفَحْلَيْنِ، يَتَخَالَسَانِ أَنْفُسَهُمَا، أَيُّهُمَا يَسْقِي صَاحِبَهُ كَأْسَ الْمُنُونِ، فَمَرَّةً لَنَا مِنْ عَدُوِّنَا وَ مَرَّةً لِعَدُوِّنَا مِنَّا؛^۴ پدران، فرزندان، و عموهای خود را به فرمان حق از پای درمی‌آوردیم؛ و این جز بر ایمان، تسلیم، حرکت در مسیر حق، شکیبایی در برابر درد، و جدیت در جهاد با دشمن نمی‌افزود. مردی از ما و مردی از دشمن همانند دوشیر نر بر یکدیگر می‌تاختند، جان هم را می‌طلبیدند، تا کدام یک جام مرگ را بر دیگری بنوشاند؛ گاه ما بر دشمن پیروز می‌شدیم و گاه دشمن بر ما.

بیانات حضرت، انعکاسی از واقعیتی تاریخی هستند. اشاره به «پدر» در اینجا به بزرگان قبیله‌ای بازمی‌گردد، نه لزوماً والدین نسبی. زیرا ابوطالب، پدر امام علی علیه السلام، خود مؤمنی پاک‌نهاد بود. در بسیاری از جنگ‌های اسلامی، به‌ویژه نبرد بدر، گروه‌هایی از اقوام و عشیره‌های عرب در مقابل

۱. نهج البلاغه، خطبه ۵۶.

۲. ر.ک: ریاض السالکین فی شرح صحیفة سید الساجدین، ج ۲، ص ۱۰۲، نهج البلاغه صبحی صالح، خطبه ۵۶.

۳. برای مطالعه بیشتر به کتاب اسد الغابه، ج ۲، ص ۲۹۰ مراجعه شود.

۴. نهج البلاغه، خطبه ۵۶.

مسلمانان قرار گرفتند. مسلمانان، با چشم‌پوشی از تعصبات قبیله‌ای که در فرهنگ عرب از جایگاه بالایی برخوردار بود، برای رضای الهی در مقابل بستگان خویش ایستادند و با آنان جنگیدند. نکته قابل‌توجه آن است که عواملی که ممکن بود زمینه‌ساز ضعف دیگران گردد، برای یاران رسول‌الله ﷺ مایه قوت، استقامت و پویایی بیشتر در راه حق می‌شد.

در آموزه‌های اسلامی، اطاعت از والدین مشروط به پابندی ایشان به اصول دین و حقایق توحیدی است. در صورتی که والدین، فرزند را به امری مخالف اسلام فراخوانند یا او را از حق بازدارند، اطاعت از ایشان واجب نیست. این حقیقت در قرآن کریم، آیه ۱۵ سوره لقمان، چنین آمده است:

وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ، فَلَا تُطِعْهُمَا^۱ و اگر آن دو [پدر و مادر] تلاش کنند تا چیزی را که به آن علم نداری، شریک من گردانی، از ایشان اطاعت مکن.

این آیه، مرز اطاعت خانوادگی را با معیار ایمان مشخص می‌سازد؛ اطاعت آنگاه معنا دارد که در مسیر حق قرار گیرد و موجب دوری از شرک و گمراهی گردد.

در احادیث معتبر اسلامی، تأکید شده است که اطاعت از والدین در مواردی که آنان فرزند خود را به ارتکاب گناه دعوت کنند، جایز نیست. یکی از بیانات روشنگر در این زمینه، حدیث معروف پیامبر اسلام ﷺ است:

لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ؛ هیچ‌گونه اطاعتی از مخلوق در نافرمانی خالق روا نیست.

این اصل بنیادین نشان می‌دهد که اطاعت از والدین، هرچند به‌عنوان واجب اخلاقی و شرعی شناخته شده، باید در چارچوب آموزه‌های الهی و اصول اسلامی صورت گیرد و نمی‌تواند در تقابل با فرمان خداوند قرار گیرد.

امام سجاد علیه السلام نیز در دعایی از صحیفه سجادیه، به فداکاری و اخلاص یاران پیامبر ﷺ اشاره فرموده، می‌فرماید:

اللَّهُمَّ وَ أَصْحَابُ مُحَمَّدٍ... فَارْقُوا الْأَزْوَاجَ وَ الْأَوْلَادَ فِي إِظْهَارِ كَلِمَتِهِ، وَ قَاتِلُوا الْآبَاءَ وَ الْأَبْنََاءَ فِي تَثْبِيتِ نُبُوَّتِهِ، وَ انْتَصِرُوا بِهِ^۲ بار الها، یاران محمد ﷺ... در

۱. لقمان: ۱۵؛ عنکبوت: ۸.

۲. دعای ۴، ص ۴۴، بند ۳.

راه آشکار ساختن دعوت آن حضرت از همسران و فرزندان جدا شدند، و در تثبیت نبوت او با پدران و فرزندان خود جنگیدند، و با برکت وجود او به پیروزی رسیدند.

این فراز بیانگر آن است که ایمان و وفاداری به پیامبر اسلام، گاهی تا جایی پیش می‌رفت که یاران حضرت از نزدیک‌ترین بستگان خود فاصله می‌گرفتند و حتی در نبرد با آنان شرکت می‌کردند؛ زیرا ملاک همراهی، نه نسب خونی بلکه ایمان قلبی و التزام عملی به حق بود.

نکته حائز اهمیت آن است که در مسیر نبرد با باطل، پیروزی در هر مرحله تضمین شده نیست. مسلمانان ممکن است در برخی مراحل پیروز، و در برخی دیگر مغلوب شوند؛ اما طبق وعده الهی، سرانجام پیروزی از آن مؤمنان خواهد بود.

از این رو، انتظار بی‌نقص بودن تمامی مراحل جهاد، نادرست است. مواجهه با سختی‌ها و فراز و نشیب‌ها، جزئی طبیعی از مسیر حق‌طلبی است. بنابراین، بروز مشکلات نباید بهانه‌ای برای تردید در اطاعت از پیشوای الهی گردد؛ بلکه خود زمینه‌ای برای آزمون صبر، ایمان، و ثبات قدم خواهد بود.

مهرورزی پدر و مادر نسبت به فرزند

محبت والدین از والاترین نعماتی است که انسان در طول زندگی بدان نیازمند است؛ زیرا تعادل روانی و رشد انسانی بدون مهر پدر و مادر امکان‌پذیر نیست. نوزاد، از لحظه تولد، هم به تغذیه و هم به عاطفه محتاج است، و حضور والدین به مثابه یکی از عطایای الهی، تأمین‌کننده این نیاز بنیادین بشری است.

پدر و مادر، به سبب مهر ژرف و فطری که به فرزند دارند، نه تنها لغزش‌های او را می‌بخشند، بلکه فرصت بازسازی رفتاری را نیز در اختیارش قرار می‌دهند و بستر تربیت او را با صبر و محبت فراهم می‌سازند. امام سجاده علیه السلام در دعای شریف خود می‌فرماید:

وَهَبْتَ لِي رَحْمَةَ الْآبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ^۱ رحمت پدران و مادران را برای من بخشیدی.

۱. دعای ۱۹۹، ص ۴۶۳، بند ۱۵۳.



لغت‌شناسان در شرح واژه «الرَّحْمَة» معانی عمیق عاطفی را ذکر کرده‌اند. ابن فارس^۱ آن را برگرفته از ریشه «رَحِم»، به معنای دل‌رحم،^۲ عاطفه‌مند^۳ و مهر پرشور مادر به فرزند دانسته است.^۴ فراهیدی^۵ نیز علاوه بر آن، «الرَّحْمَة» را به معنای نیکی والدین به فرزند معنا کرده است. منابع لغوی همچون لسان العرب،^۶ تاج العروس^۷ و صحاح جوهری^۸ نیز واژه را به بخشندگی، مهربانی همراه با احسان و حتی محبت شتر ماده به بچه‌اش تعبیر کرده‌اند.

رحمت پدر و مادر نسبت به فرزند، نعمتی الهی و موهبت عظیمی است که خداوند متعال به انسان عطا کرده است. شکر این نعمت، بر عهده فرزند نهاده شده، و از جلوه‌های این شکر، توجه به امر والدین و پاسخ‌گویی با احترام و فروتنی است.

در قرآن کریم و روایات معتبر، به مهر و شفقت والدین نسبت به فرزندان و در مقابل، لزوم احترام و اطاعت فرزند از والدین اشاره شده است:

وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا^۹؛ و از سر مهربانی، بال فروتنی بر آنان بگستران، و بگو: پروردگارا، آن دو را رحمت کن، همان‌گونه که مرا در خردی پروراندند.

واژه «کما» در این آیه، دلالتی لطیف دارد بر این حقیقت که همان‌گونه که رحمت والدین به فرزند بی‌دریغ، پاک و عمیق بود، فرزند نیز باید با همان روحیه، برای آنان طلب رحمت کرده و در رفتار و گفتار، مهربان و فروتن باشد.^{۱۰}

امام صادق (علیه السلام) در تفسیر این آیه، نوع نگاه مهربانانه و صدای نرم و آرام را از مصادیق فروتنی در برابر والدین می‌داند.^{۱۱}

۱. ر.ک: معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۴۹۸.

۲. الرقة.

۳. التَّعَطُّف.

۴. الرأفة.

۵. ر.ک: العين، ج ۳، ص ۲۲۴.

۶. ر.ک: لسان العرب، ج ۱۲، ص ۲۳۰.

۷. ر.ک: تاج العروس، ج ۱۶، ص ۲۷۴.

۸. الصحاح، ج ۵، ص ۱۹۲۹.

۹. اسراء: ۲۴.

۱۰. ترجمه تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۱۲۱.

۱۱. الکافی، ج ۲، ص ۱۵۸؛ ر.ک: تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۸۴.

در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز آمده است که مردی، به دلیل پیری والدین و انس روحی با آنان، اجازه ترک جهاد را طلب کرد. حضرت با رأفت نبوی خود فرمودند:

فَقَرَّ مَعَ وَالِدَيْكَ، فَوَالِدِي نَفْسِي بِيَدِهِ، لَا تُسْهِمَا بِكَ يَوْمًا وَلَيْلَةً خَيْرٌ مِنْ جِهَادٍ سَنَةٍ؛
نزد پدر و مادرت بمان، سوگند به آن که جانم در دست قدرت اوست، انس گرفتن یک شبانه روز آنان با تو، از جهاد یک ساله برتر است.^۱

در روایت معتبری از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، جوانی که مادرش از مشارکت او در جهاد ابراز نارضایتی کرده بود، نزد آن حضرت آمد و از وضعیت خود سخن گفت. رسول خدا در پاسخ فرمودند:

برو و ملازم مادرت باش؛ سوگند به آن که جانم در دست قدرت اوست، انس گرفتن یک شب با مادرت برای تو از ثواب یک سال جهاد در راه خدا برتر است.^۲

این روایت، نشان دهنده اهمیت والای محبت و همراهی با والدین است؛ تا جایی که در مواردی خاص، مقدم بر جهاد با کفار تلقی می گردد. با این حال، ممکن است این پرسش مطرح شود که آیا «فرار از جنگ» حرام و از گناهان کبیره نیست؟^۳ در پاسخ باید گفت: بر اساس نصوص فقهی، فرار از جنگ تنها در صورتی حرام است که عدد مسلمانان حداقل نصف قوای دشمن باشد؛ در غیر این صورت، مقاومت بر آنان واجب نیست^۴ و حکم جهاد در آن شرایط برداشته می شود.

بنابراین، وجوب حضور در جهاد تابع شرایط خاص و نظر ولی الهی است؛ هرگاه امام معصوم علیه السلام دعوت به حضور در جهاد کند، پاسخگویی مستحب، و اگر امر به آن نماید، اطاعت واجب خواهد بود.^۵

توجه امام سجاد علیه السلام در ادعیه خویش به مهر و شفقت والدین، انعکاسی از عنایت خداوند متعال نسبت به این نعمت بزرگ است. در فرازی از دعا، امام می فرماید:

يَا مَنْ هُوَ أَزْحَمُ لِي مِنَ الْوَالِدِ الشَّفِيقِ وَأَبْرَأُ بِي مِنَ الْوَلَدِ الرَّفِيقِ؛ ای کسی که نسبت به من از پدر ناصح مهربان تر، و از فرزند همدم نیکوکارتر هستی.

۱. همان.

۲. الکافی، ص ۱۵۸، ج ۲، باب البر بالوالدین، حدیث ۲.

۳. جواهرالکلام، ج ۲۱، ص ۳۲-۳۴.

۴. همان، ص ۶۱.

۵. همان، ج ۸۵.



در این بخش از دعا، واژه «شفیق» که از صفات الهی است، برای توصیف مهر بی دریغ پدر به کار رفته و از آن برای تمثیل رحمت پروردگار استفاده شده است. این تعبیر، در جای دیگری از متون دینی، به رسول خدا ﷺ نسبت داده شده و بر اهتمام ایشان نسبت به امت دلالت دارد. کاربرد افعال تفضیل در این دعا، تأکیدی است بر عظمت رحمت الهی در مقایسه با مهر پدر و انس فرزند؛ گرچه رحمت خداوند بی نظیر و غیرقابل قیاس است، اما برای فهم نوع بشر، این تمثیل روشنگر است. امام ﷺ، با بهره‌گیری از تجربه ملموس انسانی همچون محبت پدر، تلاش کرده‌اند تصویر دقیق‌تری از مهر خالصانه الهی به بنده ارائه دهند.

در ادامه، امام سجاده ﷺ در دعای دیگری به شدت اضطراب انسان در روز قیامت اشاره کرده، و نشانه‌ای از فرار آدمی از عزیزترین افراد را چنین بیان می‌دارند:

إِلَهِی الْأَمَانُ الْأَمَانُ یَوْمَ یَقْرَأُ الْمَرْءُ مِنْ أَخِیهِ وَ أُمِّهِ وَ أَبِیهِ وَ صَاحِبَتِهِ وَ بَنِیهِ... لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ یَوْمَئِذٍ شَأْنٌ یُغْنِیهِ؛^۱ بارالها، پناه می‌برم به تو در روزی که انسان از برادر، مادر، پدر، همسر و فرزنداناش گریزان می‌شود؛ چرا که هرکس در آن روز به کاری مشغول است که او را از دیگران بی‌نیاز می‌سازد.^۲

شدت صحنه قیامت چنان سهمگین و هولناک است که انسان از کسانی که روزی طاقت فراقشان را نداشته و آنان را پشتوانه و مایه آرامش خود می‌دانسته، گریزان می‌شود. گریز از خانواده، با وجود علاقه ذاتی، بیانگر شدت گرفتاری فرد و ناامیدی کامل از هر پناهی جز خداوند متعال است.^۳

نفرین پدر و مادر

خانواده نزدیک‌ترین و مهم‌ترین همراه انسان در مسیر زندگی است؛ و یاد عزیزان هیچ‌گاه از ذهن فرد محو نمی‌شود. حیات انسان منحصر به دنیا نیست، بلکه تا قیامت امتداد می‌یابد، و آثار تعامل با والدین، اعم از نیکی یا ناسپاسی تا عرصه برزخ و حساب اخروی باقی خواهد ماند.

انسان در طول زندگی، نقش کلیدی همراهی، دعای خیر و تربیت والدین را به‌روشنی درک می‌کند؛ چنان‌که امام سجاده ﷺ در دعای صحیفه سجادیه از خداوند چنین طلب می‌فرمایند:

وَلَا تَجْعَلْنِی فِی أَهْلِ الْعُقُوقِ لِلْآبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ یَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا یُظْلَمُونَ؛^۴ مرا در روزی که هر نفس در برابر عمل خویش جزا داده

۱. دعای ۲۰۷، ص ۴۹۴، بند ۸؛ ر.ک: عبس: ۲۴.

۲. ر.ک: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۲۱۰.

۳. ر.ک: تفسیر احسن الحدیث، ج ۱۲، ص ۹۲.

۴. صحیفه سجادیه، دعای بیست و چهارم.

می‌شود و ستمی بر هیچ‌کس روا نمی‌گردد، در شمار نافرمانان به والدین قرار مده.

دعا یا نفرین والدین تأثیری ماندگار بر سرنوشت فرزند دارد. اگر پدر یا مادر، به هر دلیل، فرزند خود را نفرین کنند، او از رحمت الهی و بهره‌مندی از نعیم بهشت محروم خواهد شد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره هشدار می‌دهند:

«إِيَّاكُمْ وَعُقُوقَ الْوَالِدَيْنِ، فَإِنَّ رِيحَ الْجَنَّةِ تُوَجَّدُ مِنْ مَسِيرَةِ أَلْفِ عَامٍ، وَلَا يَجِدُهَا عَاقٌّ؛^۱ بهره‌زید از ناسپاسی نسبت به والدین؛ زیرا بوی بهشت از فاصله هزار ساله استشمام می‌شود، ولی فرد عاق به والدین آن را نخواهد یافت.

شخصی که مورد غضب والدین قرار گیرد، مستحق لعن الهی^۲ خواهد شد. رضایت والدین در حقیقت رضایت خداست، و خشم آنان نیز خشم الهی را در پی دارد.^۳ در لحظات مرگ، چنین فردی توان گفتن کلمه توحید «لا إله إلا الله» را از دست می‌دهد و با زبانی بسته از دنیا می‌رود.^۴ در تأیید این معنا، امام محمدباقر علیه السلام روایت می‌فرمایند:

همانا بنده‌ای که در زمان حیات پدر و مادر خویش نیکوکار است، اما پس از وفات آنان بدهی‌شان را نمی‌پردازد و برای آمرزششان دعا نمی‌کند، نزد خداوند عاق و نافرمان نوشته می‌شود. برعکس، بنده‌ای که در زمان حیات والدین خود عاق و بی‌اعتناست، اما پس از وفات‌شان بدهی‌های آنان را می‌پردازد و برایشان آمرزش می‌طلبد، در نزد خداوند از نیکوکاران شمرده می‌شود.^۵

در مجموع، والدین، به‌عنوان نعمت‌هایی الهی، سرچشمه‌ای از مهر بی‌دریغ برای فرزند هستند. امام سجاده علیه السلام با نگاهی عمیق به جایگاه والدین، در قالب دعا و مناجات، نقشی محوری برای آنان در هدایت، سعادت و تربیت فرزندان ترسیم می‌کنند؛ نقشی که در دنیا آغاز می‌شود و تا آخرت امتداد می‌یابد.

پدر و مادر به‌عنوان اصلی‌ترین بنیان‌گذاران خانواده، در آموزه‌های قرآنی و روایی از جایگاهی والا برخوردارند. عظمت و تأثیر این دو بزرگوار چنان است که امام سجاده علیه السلام در کتاب شریف

۱. الکافی، ج ۲، ص ۳۴۹.

۲. ر.ک: معانی الأخبار، ص ۱۱۸.

۳. ر.ک: جامع الأخبار، ص ۸۳.

۴. ر.ک: مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵، ص ۱۹۷.

۵. الکافی، ج ۲، ص ۱۶۳.

صحیفه سجاده دعایی اختصاصی را به تبیین مقام والدین اختصاص داده‌اند، و در سایر ادعیه نیز با تأکید، نقش تربیتی و معنوی آنان را یادآور شده‌اند.

نقش پدر و مادر در هدایت، تربیت، و سعادت فرزند بسیار بنیادی است؛ آنان به‌عنوان مؤثرترین افراد در شکل‌گیری شخصیت انسانی و دینی فرزند شناخته می‌شوند. بر اساس مفاد آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام، احترام، تکریم، و اطاعت از والدین، از وظایف قطعی فرزندان است؛ با این تأکید که اطاعت، در صورتی واجب است که فرمان ایشان در تضاد با توحید و اوامر الهی نباشد. والدین نقشی تعیین‌کننده در سعادت یا شقاوت فرزند ایفا می‌کنند. محبت متقابل میان فرزند و والدین، از نیازهای فطری و عطایای الهی به بشر است که آثار تربیتی و روان‌شناختی فراوانی در پی دارد. از سوی دیگر، دعای خیر یا نفرین والدین، تأثیری مستقیم و بلندمدت در سرنوشت فرزند دارد، به‌گونه‌ای که در احادیث معتبر، عاق والدین از بهره‌مندی از بهشت و رحمت الهی محروم شمرده شده است.

بدین‌سان، شناخت مقام والدین و التزام به وظایف فرزند، از ارکان اصلی سلوک دینی و اخلاقی در منظومه تربیتی اسلام است؛ و پرداختن به آن، زمینه‌ساز رشد ایمانی و تعالی معنوی خواهد بود.

پیشنهادهای پژوهشی

- بررسی اصول تربیت فرزند در صحیفه سجاده
- تحلیل آموزه‌های تربیتی امام سجاده علیه‌السلام در چارچوب دین‌شناسی
- حقوق متقابل والدین و فرزندان در اندیشه امام سجاده علیه‌السلام

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
۲. أحسن الحديث، سيد علي أكبر قرشي، تهران: بنیاد بعثت، چاپ سوم، ۱۳۷۷ ش.
۳. استفتاءات، سيد روح الله موسوی خمینی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۲۲ ق.
۴. استفتاءات، محمدتقی بهجت فومنی گیلانی، قم: دفتر حضرت آیت الله بهجت، چاپ اول، ۱۴۲۸ ق.
۵. أسد الغابة فی معرفة الصحابة، عزالدین بن الأثیر الجزری، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹ ق.
۶. تاج العروس من جواهر القاموس، سيد محمد مرتضی زبیدی حنفی واسطی، بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزيع، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۷. ترجمه المیزان، سيد محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ش.
۸. ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه گروهی، تحقیق: رضا ستوده، تهران: انتشارات فراهانی، چاپ اول، ۱۳۶۰ ش.
۹. تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، محمد بن محمد رضا قمی مشهدی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸ ش.
۱۰. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران: دارالکتب الإسلامية، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
۱۱. التفسیر، محمد بن مسعود عیاشی، تحقیق: سيد هاشم رسولی محلاتی، تهران: چاپخانه علمیه، چاپ اول، ۱۳۸۰ ق.
۱۲. جامع الأحکام، لطف الله صافی گلپایگانی، قم: انتشارات حضرت معصومه (س)، چاپ چهارم، ۱۴۱۷ ق.
۱۳. جامع الأخبار، محمد بن محمد شعیری، نجف: مطبعة حیدریة، چاپ اول، بی تا.
۱۴. جامع البیان فی تفسیر القرآن، ابو جعفر محمد بن جریر طبری، بیروت: دارالمعرفة، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.



۱۵. جامع الشتات فی أجوبة السؤالات، ابوالقاسم بن محمدحسن گیلانی (میرزای قمی)، تصحیح: مرتضی رضوی، تهران: مؤسسه کیهان، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۱۶. جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام، محمدحسن نجفی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۲۶۶ق.
۱۷. رساله توضیح المسائل، سید روح الله موسوی خمینی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، چاپ پنجم، ۱۳۶۷ش.
۱۸. رسائل و مسائل، مولی احمد بن محمد مهدی نراقی، قم: کنگره نراقیین ملا مهدی و ملا احمد، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۱۹. ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین علیه السلام، سید علی خان مدنی شیرازی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۲۰. شناخت و شهود، حسن ممدوحی کرمانشاهی، قم: مؤسسه بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۳ش.
۲۱. الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية، ابو نصر الجوهري، تحقیق: احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دارالعلم للملایین، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۲۲. الصحیفه السجادیة الجامعة لأدعية الإمام علی بن الحسین علیه السلام، تحقیق: سید محمدباقر ابطحی، بیروت: مؤسسه البلاغ، چاپ اول، ۱۴۲۵ق.
۲۳. العین، خلیل بن احمد فراهیدی، قم: نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۲۴. فقه و حقوق (مجموعه آثار)، شهید مرتضی مطهری، قم: صدرا، چاپ اول، ۱۳۸۹ش.
۲۵. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران: دارالکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۲۶. لسان العرب، ابن منظور، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
۲۷. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، حسین بن محمدتقی نوری، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
۲۸. المصباح (جنة الأمان الواقیة)، ابراهیم بن علی عاملی کفعمی، قم: دارالرضی (زاهدی)، چاپ دوم، ۱۴۰۵ق.

۲۹. معانی الأخبار، ابن بابویه محمد بن علی، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
۳۰. مفردات ألفاظ القرآن، حسین بن محمد راغب اصفهانی، لبنان: دارالعلم-الدارالشامیه، ۱۴۱۲ق.
۳۱. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمدحسین طباطبائی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
۳۲. نجوای عارفانه، سید احمد سجادی، اصفهان: بنیاد قرآن و عترت، چاپ اول، ۱۳۸۴ش.
۳۳. نهج البلاغه، تحقیق: صبحی صالح، قم: انتشارات هجرت، چاپ اول، ۱۴۱۴ق..